

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

عربی

پایہ نهم

دورہ اول متوسّطہ

نام دبیر: سید علی حسینی

دبیرستان ابوریحان دورہ اول

ali1351.blogfa.com
ali135106.loxblog.com
ali.h_a36@yahoo.com
ali135106@gmail.com
09102060636

سید علی حسینی



درس ۳

الدَّرْسُ الثَّالِثُ



قِصَّةُ الْأَخَوَيْنِ

قصة دو برادر

سید علی حسینی

ali1351.blogfa.com
ali135106.loxblog.com
ali.h_a36@yahoo.com
ali135106@gmail.com
09102060636

۱- سعید و حمید ۲ برادر دریک مزرعه گندم بودند؛

۲- در یکی از روزها بینشان دشمنی افتاد

۳- برادر بزرگتر «حمید» بر برادر کوچکتر «سعید» خشمگین شد

۴- وبه او گفت: «از مزرعه من بیرون برو»

۵- و همسر حمید به همسر سعید گفت: «از خانه ما بیرون برو»

۶- در صبح یکی از روزها مردی در خانه ی حمید را زد؛

۷- هنگامی که حمید در خانه را باز کرد؛ نجاری را دید؛

۸- پس از او پرسید: «از من چه می خواهی؟»

۹- نجار جواب داد: «دنبال کار می گردم؛ آیا تو کاری داری؟»

۱۰- پس حمید گفت: «البته مشکلی دارم و حل آن در دست تو است»

۱۱- نجار گفت: «مشکلت چیست؟» حمید جواب داد:

۱۲- آن خانه ی همسایه ام است؛ او برادرم و دشمنم است؛

پاورپوینت گویا روی
شکلک ها و کلیک کنید.

الدَّرْسُ الثَّالِثُ

الْمُعْجَم (۲۹ کلمه جدید)

غَضِبَ : خشمگین شد (مضارع : يَغْضَبُ)	(مضارع : يَخْسَبُ) خَفَرَ : گند (مضارع : يَخْفِرُ)	أَخِرَ : پایان «أَخِرِينَ: آیندگان» إِخْوَانٌ : یاران، برادران «مفرد : أَخ»
غَضَبَانٌ : خشمگین قَاطِعُ الرَّجْمِ : بُرندۀ پیوند خوبشان	دَهَابٌ : رفتن رَاحِمٌ : رحم کننده رَجَاءٌ : لطفاً	إِعْتَذَرَ : معذرت خواست (مضارع : يَتَعَذَّرُ)
قَبْلُ : بوسید (مضارع : يَقْبَلُ)	رَجَمٌ : رحم کرد (مضارع : يَرْجِمُ)	أَعْجَزَ : ناتوان ترین إِثْسَابٌ : به دست آوردن
قَسَمٌ : تقسیم کرد (مضارع : يَقْسِمُ)	صِدْقٌ : راستی «لِسَانُ صِدْقٍ : یاد خوب»	تَعَجَّبَ : تعجب کرد (مضارع : يَتَعَجَّبُ)
كَشَفَ : آشکار کرد (مضارع : يَكْشِفُ)	عَجَزَ : ناتوان شد (مضارع : يَعْجِزُ)	جَسُرٌ : پُل «جمع : جُسُور» جَسِبٌ : پنداشت
مَخْرَجٌ : انبار «جمع : مَخَارِجُ»	عَدُوٌّ : دشمن «جمع : أَعْدَاءُ»	

جِسْرُ الصَّدَاقَةِ

۱ كان حميدٌ و سعيدٌ أخوينِ في مزرعةٍ قَمْحٍ؛ في أحدِ الأيامِ وَقَعَتْ عداوةٌ
بَيْنَهُمَا وَ غَضِبَ الأخُ الأَكْبَرُ «حميد» عَلَى الأخِ الأصغرِ «سعيد» وَ قَالَ لَهُ:
«أخْرِجْ مِنْ مَزْرَعَتِي.»

۵ وَ قَالَتْ زَوْجَةُ حميدٍ لِرَؤُوسَةِ سعيدٍ: «أخْرِجِي مِنْ بَيْتِنَا.»

۶ في صباحِ أحدِ الأيامِ طَرَقَ رَجُلٌ بابَ بَيْتِ حميدٍ؛ عِنْدَمَا فَتَحَ حميدٌ بابَ البَيْتِ؛
شَاهَدَ نَجَّارًا؛ فَسَأَلَهُ: «مَاذَا تَطْلُبُ مِنِّي؟»

۹ أَجَابَ النُّجَّارُ: «أَبْحَثُ عَنْ عَمَلٍ؛ هَلْ عِنْدَكَ عَمَلٌ؟»

۱۰ أَقَالَ حميدٌ: «بِالتَّأَكِيدِ؛ عِنْدِي مُشْكِلَةٌ وَ حَلُّهَا بِيَدِكَ.»

۱۱ قَالَ النُّجَّارُ: «مَا هِيَ مُشْكِلَتُكَ؟» أَجَابَ حميدٌ: «ذَلِكَ بَيْتُ جَارِي؛ هُوَ أَخِي وَ

ali1351.blogfa.com
ali135106.loxblog.com
ali.h_a36@yahoo.com
ali135106@gmail.com
09102060636

بی بی علی حسینی

۱- به آن رودخانه نگاه کن؛ او مزرعه را با آن رودخانه به دو قسمت تقسیم کرده است؛

۲- همانا او رودخانه را **کنده** است برای اینکه او از من **خشمگین** است. ۳- من چوبهای بسیاری در **انبار** دارم؛

۴- **لطفاً** دیواری چوبی بین ما **بساز**.»

۵- سپس به نجارگفت: من به بازار می روم و بعد از ظهر برمی گردم.

۶- هنگامی که حمید بعد از ظهر به مزرعه اش برگشت بسیار **تعجب کرد**. ۷- نجار دیواری **ن ساخت**

۸- بلکه پل روی رودخانه ساخت؛ پس حمید عصبانی شد

۹- و به نجارگفت: «چه کار کردی؟! برای چه پل ساختی?!»

۱۰- در این وقت سعید رسید و پل را دید و گمان کرد که حمید دستور به ساختن پل داده است؛

۱۱- پس از پل عبور کرد و شروع به گریه کرد و برادرش را **بوسید و عذرخواهی کرد**؛

۱۲- حمید به سوی نجار رفت و از او تشکر کرد و گفت:

۱۳- تو برای سه روز مهمان من هستی

۱۴- نجار عذر خواهی کرد و گفت: «پل های زیادی باقی مانده است؛

۱۵- باید برای ساختن آن ها **بروم**.

۱۶- دوتن، خدابه آنها نگاه نمی **کند؛ قطع کننده پیوند** و همسایه بد.

عَدُوِّي؛ أَنْظُرُ إِلَى ذَلِكَ النَّهْرِ؛ هُوَ قَسَمَ الْمَرْزَعَةَ إِلَى نِصْفَيْنِ بِذَلِكَ النَّهْرِ؛
۱ ۲
إِنَّهُ حَفَرَ النَّهْرَ لِأَنَّهُ غَضَبَانِ عَلَيَّ. ۳ عِنْدِي أَشْجَابٌ كَثِيرَةٌ فِي الْمَخْرَزِنِ؛ رَجَاءٌ،
۴
إِصْنَعْ جِدَارًا حَسْبِيًّا بَيْنَنَا.»

۵ ثُمَّ قَالَ لِلنَّجَّارِ: «أَنَا أَذْهَبُ إِلَى السُّوقِ وَ أَرْجِعُ مَسَاءً.» ۶ عِنْدَمَا رَجَعَ حَمِيدٌ إِلَى
مَرْزَعَتِهِ مَسَاءً تَعَجَّبَ كَثِيرًا؛ النَّجَّارُ مَا صَنَعَ جِدَارًا؛ بَلْ صَنَعَ جِسْرًا عَلَى النَّهْرِ؛
فَغَضِبَ حَمِيدٌ وَقَالَ لِلنَّجَّارِ: «مَاذَا فَعَلْتَ؟ لِمَ صَنَعْتَ جِسْرًا؟!»

۷ فِي هَذَا الْوَقْتِ وَصَلَ سَعِيدٌ وَ شَاهَدَ جِسْرًا فَحَسِبَ أَنَّ حَمِيدًا أَمَرَ بِصُنْعِ الْجِسْرِ؛
فَعَبَّرَ الْجِسْرَ وَ بَدَأَ بِالْبُكَاءِ وَ قَبِلَ أَخَاهُ وَ اعْتَذَرَ؛

۸ أَذْهَبَ حَمِيدٌ إِلَى النَّجَّارِ وَ شَكَرَهُ وَ قَالَ: «أَنْتَ صِيفِي لثَلَاثَةِ أَيَّامٍ.»

۹ ۱۰ اعْتَذَرَ النَّجَّارُ وَقَالَ: «جُسُورٌ كَثِيرَةٌ بَاقِيَةٌ؛ عَلَيَّ الْأَهَابُ لِصُنْعِهَا.»

من کلام رسول الله ﷺ:

۱۱ ۱۲ اِنَّانِ لَا يَنْظُرُ اللهُ اِلَيْهِمَا: قَاطِعُ الرَّجْمِ وَ جَارُ السَّوِي.



پاورپوینت گویا روی
شکلک ها و ● کلیک کنید.



کلیک با توجه به متن درس گزینه درست و نادرست را معلوم کنید.

نادرست درست

- | | | |
|-------------------------------------|-------------------------------------|---|
| <input type="checkbox"/> | <input checked="" type="checkbox"/> | ۱. قَالَتْ زَوْجَهُ حَمِيدٌ لِرِزْوَجَةٍ سَعِيدٍ: أَخْرَجِي مِنْ بَيْتِنَا. |
| <input checked="" type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> | ۲. صَنَعَ النَّجَّازُ جِدَارًا خَشِيمًا بَيْنَ الْأَخْوِيَيْنِ. |
| <input checked="" type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> | ۳. بَقِيَ النَّجَّازُ فِي بَيْتِ حَمِيدٍ لِثَلَاثَةِ أَيَّامٍ. |
| <input type="checkbox"/> | <input checked="" type="checkbox"/> | ۴. سَعِيدٌ قَسَمَ الْمَرْزَعَةَ إِلَى نِصْفَيْنِ. |
| <input checked="" type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> | ۵. مَا تَدِمَ سَعِيدٌ وَمَا قَبَّلَ أَخَاهُ. |
| <input type="checkbox"/> | <input checked="" type="checkbox"/> | ۶. حَمِيدٌ أَكْبَرُ مِنْ سَعِيدٍ. |



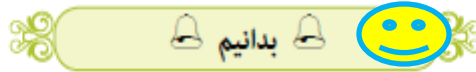
فِعْلُ الْأَمْرِ (۱) (يا وَتَدِّ، افْعَلْ)، (يا بِنْتُ، افْعَلِي)



لِمَ أَنْتَ وَحِيدٌ؟ الْعَبُّ مَعَ زُمَّلَاتِكَ. لِمَ أَنْتِ وَحِيدَةٌ؟ الْعَبِي مَعَ زَمِيلَاتِكَ.

برای چه تو تنها هستی
بهمکلاسیهایت بازی کن.

برای چه تو تنها هستی
بهمکلاسیهایت بازی کن.



با فعل امر آشنا شوید. به فرق میان فعل‌های مضارع و امر توجه کنید و ترجمه آنها را یاد بگیرید.

شخص	فعل مضارع	فعل امر
	تَفَعَّلُ	افْعَلْ
	تَفْعَلِينَ	افْعَلِي

انجام می‌دهی

فرق فعل مضارع و فعل امر را کشف کنید.

فعل مضارع	فعل امر	فعل مضارع	فعل امر
تَسْمَعُ: می‌شنوی	اشْمَعْ: بشنو	تَعْلَمِينَ: می‌دانی	اعْلَمِي: بدان
تَجْلِسُ: می‌نشین	اجْلِسْ: بنشین	تَجْلِبِينَ: می‌آوری	اجْلِبِي: بیاور
تَكْتُبُ: می‌نویس	اَكْتُبْ: بنویس	تَصُدَّقِينَ: راست می‌گوی	اصْدُقِي: راست بگو



ترجمه کنید.

انْحَثْ عَنِ الْمَفْتاحِ.	دنبال کلید بگرد	اِذْرَعِي قَمْحًا.	گندم بکار
اِزْقِعْ عِلْمَ اِيرانِ.	پرچم ایران را بالا ببر	«اِزْجِعِي اِلَى رَمْلِكَ»	به سوی پروردگارت بازگرد
اطالِبْ خَيْرَ الْأُمُورِ.	بهترین کارها را بخواه	اشْكُرِي أُمَّكَ.	از مادرت تشکر کن

● التمارين



التَّمرينُ الأوَّلُ

● درستی یا نادرستی جمله‌های زیر را بر اساس حقیقت بنویسید.

1. ● **الفلاحُ يَعْمَلُ فِي المَزْرَعَةِ وَ المَوْطَظُ يَعْمَلُ فِي الإدارةِ.** **درست**
2. ● **مَرَقْدُ الإمامِ الثَّالِثِ فِي مَدِينَةِ مشهدِ فِي مُحَافَظَةِ خراسانِ.** **نادرست**
3. ● **المَخزَنُ مَكَانٌ تَجْعَلُ وَ نَحْفَظُ فِيهِ أَشياءَ مُخْتَلِفَةً.** **درست**
4. ● **بَعْدَ تَصَادُمِ سَيَّارَتَيْنِ يَأْتِي شُرطِيُّ المُرورِ.** **درست**
5. ● **الجِسْرُ مَكَانٌ يَرَفَعُ فِيهِ المَرَضَى لِلعِلاجِ.** **نادرست**



التَّمرينُ الثَّانِي

● جمله‌های زیر را با توجه به تصویر ترجمه کنید.



● رَجَاءُ، العَبِي مَعَنَا كُرَّةُ المِنْضَدَةِ.



● رَجَاءُ، العَبِّ مَعَنَا كُرَّةُ القَدَمِ.

لطفاً، بامافوتبال بازي كن

لطفاً، باماتنيس روي ميز بازي كن



التَّمْرِينُ الثَّالِثُ

● آیات شریفه زیر را ترجمه سپس فعلهای امر را معلوم کنید.

● ۱. ﴿رَبَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ﴾ المؤمنون ۱۰۹

پروردگارا ما ایمان آوردیم پس ببخش برای ما و به ما رحم کن و تو بهترین رحم کننده ها هستی.

● ۲. ﴿... اجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ﴾ الطهراء ۸۴

برای من یاد خوب در (میان) آیندگان قرار بده.

● ۳. ﴿رَبَّنَا آمَنَّا فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ﴾ المائدة ۸۳

پروردگارا ما ایمان آوردیم پس ما را همراه با گواهان بنویس

● ۴. ﴿... أَنْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ﴾ آل عمران ۱۴۷

ما را بر گروه کافران یاری کن



التَّمْرِينُ الرَّابِعُ

● هر کلمه را در جای مناسب از جدول بنویسید.

صعاب / صالحات / راحمون / زوجه / تلمیذتان

مفرد مؤنث	مثنای مذکر	مثنای مؤنث	جمع مذکر سالم	جمع مؤنث سالم	جمع مكثر
زوجه	جسرین	تلمیذتان	راحمون	صالحات	صعاب



التَّمْرِينُ الْخَامِسُ

● ترجمه کنید.

- ۱. یا اُخِي، اِسْمَعْ كَلَامَ مُدْرِسِنَا اِي بَرَادِرِم سَخْن مَعْلِمَان رَا كُوش كُن
- ۲. یا اُخْتِي، اِصْنَعِي مُسْتَقْبَلَكِ. اِي خَوَاهِرْم آينده ات رَا بَسَاز
- ۳. يَا اَيْتُهَا التَّلْمِيذُ، اَشْكُرُ رَبَّكَ. اِي دَانش آموز خدائيت رَا شُكْرِكُن
- ۴. يَا اَيْتُهَا التَّلْمِيذَةُ، اَشْكُرِي رَبَّكَ. اِي دَانش آموز خدائيت رَا شُكْرِكُن



التَّمْرِينُ السَّادِسُ

● گزینه مناسب را انتخاب کنید.

- ۱. مَنْ فِي الْأَرْضِ يَرْحَمُكَ مَنْ فِي السَّمَاءِ. اِرْحَمَ اُسْجُدُ
- ۲. اَلْمُهَنْدِسُونَ صَنَعُوا لِغُبُورِ السُّيَّارَاتِ. جَسْرًا مَخْرَجًا
- ۳. سَعِيدٌ الْمَرْزَعَةَ إِلَى نِصْفَيْنِ بِذَلِكَ النَّهْرِ. قَسَمَ حَسِبَ
- ۴. عَجَزَ الْمَرِيضُ ف..... فِي الْمُسْتَشْفَى. رَقَدَ حَفَرَ
- ۵. ظَلَمْتَ صَدِيقَكَ فَهُوَ عَلَيْكَ. حَسْرَانُ غَضْبَانُ
- ۶. جَارُنَا يَعْْمَلُ فِي الْكَرَّاسِيِّ. مَلْعَبٍ مَضْجَعٍ



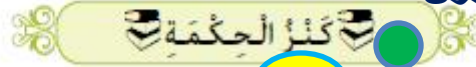
التَّمْرِينُ السَّابِعُ

● کلمه‌های مترادف و متضاد را دو به دو کنار هم بنویسید.

جَمال / تَلْمِيز / عِنْدَمَا / حَزِين / قُبْح / مَحْزُون / لَمَّا / شَقَاوَة / طَالِب / سَعَادَة

جمال ≠ قُبْح / **تلمیز = طالب** **عِنْدَمَا = لَمَّا**

حَزِين = مَحْزُون / **شَقَاوَة ≠ سَعَادَت**



● بخوانید و ترجمه کنید.

۱. اِعْلَمَنَّ أَنَّهُ النَّصْرُ مَعَ الصَّبْرِ. رسول الله ﷺ

بدان که پیروزی همراه بردباری است.

۲. لَا يَشْكُرُ اللَّهُ مَنْ لَا يَشْكُرُ النَّاسَ. رسول الله ﷺ

خدا را شکر نمی کند کسی که از مردم تشکر نمی کند.

۳. أَعْجَزُ النَّاسِ مَنْ عَجَزَ عَنِ الْاِخْوَانِ. الإمام عليّ عليه السلام

ناتوان ترین مردم کسی است که از به دست آوردن برادران ناتوان است.

۴. إِذَا قَدَرْتَ عَلَىٰ عَدُوِّكَ؛ فَاجْعَلِ الْعَمْرَ شُكْرًا لِلْقُدْرَةِ عَلَيْهِ. الإمام عليّ عليه السلام

هرگاه بر دشمنت چیره شدی پس بخشش را شکر تسلط بر او قرار بده.

۵. الْعِلْمُ وَالْمَالُ يَسْتُرَانِ كُلُّ عَيْبٍ وَالْجَهْلُ وَالْفَقْرُ يَكْشِفَانِ كُلَّ عَيْبٍ. رسول الله ﷺ

علم و مال هر عیبی را می پوشانند و نادانی و فقر هر عیبی را آشکار می کند

۱. النصير: پیروزی.

۲. حرف «ه» در «اجتعل» در جمله «... اجعل لنفسك» برای راحتی تلفظ، علامت کسره گرفته است؛ زیرا لفظ دو حرف ساکن در کنار هم در زبان عربی دشوار است. (اجتعل لنفسك).

فَعَالِيَت

● یک متن کوتاه عربی (قرآن، حدیث، داستان، لطیفه ...) پیدا کنید که فعل امر داشته باشد.

